فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹

# نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی[1]

محسن عبدالهی،* مهشید بشیری موسوی**

***مقدمه:*** *سازمانهای جامعه مدنی به‌عنوان نهاد واسط میان دولت و جامعه، نقش مهمی در اتخاذ رویکردهای چندبعدی و یکپارچه فقرزدایی دارند که با توجه به این امر، مقاله حاضر به بررسی نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی می‌پردازد.*

***روش:*** *روشهای مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است که در آن، به چگونگی، چرایی و چیستی سازمانهای جامعه مدنی و الزامات آن در فقرزدایی پرداخته شده است.*

***یافته‌ها:*** *وجود جامعه مدنی برای فقرزدایی بسیار مهم است و مشارکت آنها با بخش دولتی در پروژه های فقرزدایی می‌تواند به امحای آن کمک شایانی بنماید. با این وجود مشکلاتی که فراروی سازمانهای جامعه مدنی اعم از شناسایی آنها، اثربخشی و نفوذ و در نهایت تأمین مالی وجود دارد، نتیجه حاصله این است که شکستن دور باطل فقر مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هم زمان است. سازمانهای جامعه مدنی امکان مشارکت مردم فقیر را در جامعه فراهم نموده و تسهیل‌کننده فرآیندهای تحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح گروهها و افراد جامعه می‌باشند.*

***بحث:*** *این مقاله در خصوص نقش مؤثر سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی است که با مشارکت قوی و فعال این سازمانها، ظرفیتهای تولیدی افراد فقیر افزایش یافته، به شرکت در تصمیم‌گیریها ترغیب شده و در مجموع موجبات توانمندی فقرا و خروج از گردونه فقر فراهم می‌شود.*

***واژگان کلیدی: توسعه، جامعه مدنی، حقوق بشر، فقر، فقرزدایی***

**تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۷**

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهشید بشیری موسوی تحت عنوان «تعهد دولتها به فقرزدایی در حقوق بین‌الملل» می‌باشد.

* دکتر حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

** دکتر حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده مسئول)، <mahshidbm@hotmail.com>



Archive of SID

www.SID.ir

**مقدمه**

فقرزدایی در یک جامعه مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هم‌زمان است. از جمله این اقدامات می‌توان به نقش سازمانهای جامعه مدنی در این زمینه اشاره کرد. اهمیت مشارکت مردم، خاصه گروههای محروم، در زمینهٔ فقرزدایی بسیار مهم است. سازمانهای جامعه مدنی به‌عنوان بازیگران اجتماعی نقش مؤثری در طراحی راهبردهای ملی برای فقرزدایی، خدمت‌رسانی، دفاع از حقوق بشر و نظارت بر دولت به منظور مهار فساد و بزه‌کاری وآسیبهای اجتماعی و بی‌کفایتی در مدیریت کشور دارند. دولت برخلاف شبکه پهناور و گسترده‌ای که دارد می‌تواند به‌طور فیزیکی و اجتماعی از فقرا فاصله داشته باشد. بنابراین سازمانهای مردم نهاد زمینه‌هایی را که می‌توانند نقش مهم و واسطه‌ای برای ارایه خدمات به فقرا داشته باشند، ترویج می‌کنند. سازمانهای مردم نهاد کارآیی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند. ظهور سازمانهای مردم نهاد ویژه‌ای که دارای کارکردهایی در بعضی بخشها هستند دولتها را قادر ساخته است که با این سازمانها در اجرای مسائلی مانند مشاوره و اطلاع‌رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی همکاری داشته باشند. امروزه ثابت شده است که تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی که پایدار و عادلانه باشد به‌طور فوق‌العاده‌ای پیچیده است و دانش و منابع دولت و جامعه مدنی را که شامل سازمانهای مردم نهاد می‌شود، طلب می‌کند. دولتهایی که به تنهایی عمل می‌کنند، به سختی می‌توانند با همه مسائل چنین توسعه‌ای کنار بیایند. بنابراین باید مسائل در حال تغییر توسعه توسط دولتها، سازمانهای مردم نهاد، اجتماعات محلی و خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد و یک مشارکت و همکاری قوی بین دولت و جامعه مدنی پدید آید و به‌طور جدی پیگیری شود. (اسفندآبادی، ۱۳۸۶)

از این‌رو این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا برای دستیابی به فقرزدایی در جامعه، وجود سازمانهای جامعه مدنی لازم و ضروری می‌نماید و در صورت پاسخ مثبت، کارکرد این سازمانها در کاهش و امحای فقر چیست؟ از نظر این مقاله پاسخ به



Archive of SID

www.SID.ir

پرسش یاد شده مثبت می‌باشد. اهمیت واقعی رویکرد چند بعدی به فقر در این حقیقت نهفته است که می‌توان با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فضایی را به‌وجود آورد که به گسترش و تعمیق سازمانهای جامعه مدنی کمک نموده، ظرفیتهای تولیدی افراد فقیر افزایش یافته، آنها به شرکت در تصمیم‌گیریها ترغیب شده و توانمند گردند که مجموعه این عوامل بر زندگی آنها تاثیر بسزایی دارد. جامعه مدنی، به‌ویژه تشکلهای داوطلب مردمی، بهترین نهادهایی هستند که می توانند به این آرمان جامهٔ عمل پوشانده و موجبات فقرزدایی را فراهم آورند. طرح این مسأله در عرصه حقوق ایران و همسویی سیاستهای ایران با سیاستهای بین‌المللی ضروری است. لذا در این مقاله به این مهم نیز پرداخته شده و در نهایت توصیه های چندی در قلمرو ایران مطرح خواهد شد.

**چارچوب نظری**

مبنای اتکای این مقاله بر اساس ضرورت وجود سازمانهای جامعه مدنی برای فقرزدایی و کارکرد آنها قرار دارد. این مقاله برای بررسی متغیرهای ذکر شده، ابتدا مفهوم جامعه مدنی را از دیدگاه برخی از صاحبنظران و بانک جهانی مطرح نموده و سپس به بررسی مفهوم فقرزدایی می‌پردازد. در ادامه اهمیت جامعه مدنی در فقرزدایی از دو منظر واسطه بودن بین دولت و جامعه و کارکرد سازمانهای جامعه مدنی به‌عنوان بهترین نهادهایی که می‌توانند امکان مشارکت مردم و بالاخص فقرا را فراهم آورند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم به جایگاه این سازمانها با استفاده از مثالهایی از ایران و چین اشاره می‌شود. در بخش چهارم چالشهای موجود در گسترش نقش سازمانهای جامعه مدنی واکاوی خواهد شد. و در پایان نتیجه گیری از بحث و توصیه های کلیدی در جهت افزایش نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی صورت می‌پذیرد.

فقر به‌عنوان پدیده شومی همواره به‌صورت یک معضل جهانی فراروی جامعه بشری بوده است. بر اساس گزارش وضعیت جهان در سال ۲۰۱۰، «فقر پدیده‌ای چندبعدی است. این امر



Archive of SID

www.SID.ir

به معنای محرومیت از توانایی فرد به‌عنوان انسانی آزاد و دارای کرامت و شرافت ذاتی است که این فرد از توان بالقوه کامل برای رسیدن به اهداف مورد نظرش را در زندگی برخوردار است. فقر همچنین مفاهیمی نظیر آسیب‌پذیری و طرد اجتماعی را با خود همراه دارد. آسیب‌پذیری بدین‌معنا که به‌دلایل گوناگون اعم از شوکهای وارده به سیستمهای اقتصادی و یا اتفاقات ناگوار شخصی، افراد فقیر می‌شوند. طرد اجتماعی، به‌معنای عدم مشارکت افراد و گروهها در جامعه می‌باشد. (گزارش سازمان ملل در خصوص وضعیت اجتماعی جهان، ۲۰۱۰)[1] برای رها شدن از این معضل شوم نباید از اهمیت سازمانهای جامعه مدنی غافل شد. در واقع فقر معضلی اجتماعی با راه حل آن در دست خود مردم است.

**الف- مروری انتقادی بر تعاریف**

سازمانهای جامعه مدنی نه تنها به‌عنوان بازیگران اجتماعی در بسیاری از نقاط جهان مطرح شده اند، بلکه در ماهیت و ترکیب نیز بسیار متنوع می‌باشند. مثالهایی از نهادهای جامعه مدنی عبارتند از: سازمانهای غیردولتی،[2] سازمانهای داوطلبانه خصوصی،[3] سازمانهای مردمی، سازمانهای اجتماع محور، سازمانهای میانجی برای بخش داوطلب و غیرانتفاعی، بنیادهای اجتماعی، برنامه‌های توسعه رهبری اجتماع، باشگاههای شهری، اتحادیه‌های تجاری، گروههای جنسیتی، مذهبی، فرهنگی، خیریه‌ها، باشگاههای ورزشی و اجتماعی، تعاونیها، گروههای زیست‌محیطی، انجمنهای متخصصان، محیط‌های آموزشی و پژوهشی، نهادهای اقتصادی، نهادهای سیاسی، سازمانهای مصرف‌کنندگان، رسانه‌ها، سازمانهای مذهبی، گروههای شهری، سازمانهای اجتماعی، باشگاهها (ادوارد،[4] ۲۰۰۴). به همین دلیل تعاریف جامعه مدنی به‌طور قابل توجهی در پارادایم مفهومی، ریشه‌های تاریخی و

1. Rethinking Poverty
2. Non Governmental Organizations (NGO)
3. Private Voluntary Organizations (PVOs)
4. Michael Edwards



Archive of SID

www.SID.ir

زمینه‌های گوناگون هر کشوری متفاوت می‌باشد.

هگل شاید نخستین اندیشمندی باشد که راجع به وصف و کارکرد جامعه مدنی اظهار نظر کرده است. به نظر او جامعه مدنی به مثابه نظام بازار است که مبادله کالا و کار در آن صورت می‌پذیرد (گرامشی، ۱۳۸۴).

بدین‌معنا که هگل جامعه مدنی را به‌عنوان سیستم نیازها، در نظر می‌گیرد، و این جامعه عرصه روابط اقتصادی است. همانطور که در جامعه سرمایه‌داری صنعتی مدرن، وجود دارد. به این خاطر، در دوره خاصی، سرمایه‌داری به‌وجود آمد و منافعش حقوق شخصی و دارایی شخصی را به‌کار گرفت. از این‌رو، وی به جامعه مدنی به‌عنوان جامعه غیرنظامی، یعنی حوزه‌ای که به‌وسیله کد مدنی اداره می‌شود، نگاه می‌کند.

الکسی دوتوکویل جامعه مدنی را مجموعه‌ای از نهادهای مستقل و انجمنهای داوطلبانه می‌داند که دولت در ایجاد آنها نقشی ندارد ولی این انجمنها از حمایت رسوم و نهادهای اجتماعی متناسب با دموکراسی برخوردار هستند (به نقل از افروغ، ۱۳۸۷). آنچه که در تعریف وی برجسته می‌نماید، عنصر سیاسی و نقش جامعه مدنی در نظم دموکراتیک است. به‌طوری که عناصر سیاسی خیلی از نهادهای جامعه مدنی، هوشیاری بیشتر و شهروندی بااطلاع‌تر را به وجود می‌آورد. کسانی که به گزینه‌های بهتری در انتخابات رأی می‌دهند، در سیاست مشارکت می‌کنند و در نتیجه حاکمیت را پاسخگوتر نگاه می‌دارند.

در سالهای اخیر جمعی از جامعه‌شناسان آمریکایی جامعه مدنی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «جامعه مدنی در برگیرنده شمار زیادی از میدانهای عمومی بالقوه خود مختار و منفک از حکومت است. فعالیتهای کنشگران که در جامعه مدنی توسط انجمنهای گوناگون تضمین می‌شود باعث می‌شود که جامعه از غلتیدن به قالب یک توده بی‌شکل نجات یابد» (ویرک و همکاران، ۲۰۰۷).

بانک جهانی، تعریف پیش رو از جامعه مدنی را پذیرفته است: «واژه جامعه مدنی اشاره به طیف گسترده‌ای از سازمانهای غیردولتی و غیرانتفاعی دارد که در زندگی اجتماعی



Archive of SID

www.SID.ir

حضور داشته و مبین منافع و ارزشهای اعضای خود و یا دیگران بر اساس ملاحظات اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، علمی، مذهبی و یا نوع دوستانه باشند. (بانک جهانی،۲۰۱۳).[1] در واقع جامعه مدنی از این دیدگاه درصدد تأمین خدمات دولتی و مراقبت اجتماعی است، زیرا در دهه ۹۰ بانک جهانی به‌دنبال اعطای وامهای مشروط برای بار بدهی دولتهای در حال توسعه بوده و همچنین درصدد کاهش فشارهای وارد شده بر دولتها در کشورهای فقیرتر بود. بنابراین سعی در استفاده از جامعه مدنی برای نیل به این مقصود نیز داشت.

با توجه به تعاریف فوق، جامعه مدنی را با ویژگیهای زیر بهتر می‌توان شناخت؛ استقلال نسبی از دولت دارد، با هسته زیست‌جهان افراد پیوند خورده است، در عین تکثر عرصه ظهور همگان است، کنش‌گران عرصه آن خود را شهروند می‌دانند نه تابع و مرید، مبتنی بر گفت‌وگو و خرد جمعی است، در بر دارندهٔ آزادی افراد در عرضه و تقاضای کالا و خدمات بدون انحصارهای دولتی می‌باشد. اهداف و موضوعات مورد توجه این سازمانها، مختص به گروه و قشر خاصی نیست و حضور تمامی افراد را در عرصه های مختلف رشد و توسعه کشور، امکانپذیر می‌کند. ساختار آن با مشارکت مردم و دموکراسی رابطه ویژه‌ای دارد. هرقدر دموکراسی در جوامع بیشتر باشد، سازمانهای جامعه مدنی نیز زمینه بیشتری برای گسترش پیدا خواهند کرد و هرقدر نفوذ ساختارهای دولتی در مؤسسات رفاهی و اجتماعی غیردولتی کم رنگتر باشد، توسعه این سازمانها و تشکلها بیشتر خواهد بود. جامعه مدنی، برای شکوفایی، نیازمند آزادی تفکر، آزادی بیان و آزادی تجمع، یا به عبارت دیگر، کلیه آزادی های تضمین شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است . (دایموند، ۲۰۰۴)[2]

یکی از مسائلی که تحقق حقوق بنیادین بشر را با خطر مواجه می‌سازد، مشکل فقر است. فقر معضلی است که زدودن آن علاوه بر عوامل دیگر، نیازمند همکاری و کمک

1. World Bank, Defining Civil Society
2. Larry Diamond



Archive of SID

www.SID.ir

جامعه مدنی است. فقر اغلب محرومیت در رفاه توصیف می‌شود که از یک طرف به‌معنای گرسنه بودن، فقدان پناهگاه و لباس، بیماری و عدم مراقبت، بیسوادی و مدرسه نداشتن است و از سوی دیگر مردم فقیر در شرایط نامساعد خارج از کنترل‌شان به‌سر برده و آسیب‌پذیرند. این افراد به‌طور دائم یا ادواری از منابع، توانمندیها، انتخابات، امنیت و اختیار لازم جهت بهره مندی از استاندارد لازم زندگی و دیگر حقوق مدنی سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی خود محرومند. (هدپریتنو، ۲۰۰۳)[1]

از سوی دیگر، برای مقابله با معضل فقری که دارای ماهیت چندوجهی است، اقدامات گسترده‌ای مورد نیاز می‌باشد که که باید اتخاذ شده و یکدیگر را تقویت نمایند. فقرزدایی مرکب از برنامه‌ها و پروژه هایی است که زندگی مردمان فقیر را هدف قرار می‌دهد و باید با سیاستها و راهبردهایی همراه شود که پاسخگوی نیازهای اساسی آنان می‌باشد. اکثر افراد فقیر در یک دور باطل گرفتار شده اند. شکستن این دور باطل مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هم زمان است که فقرزدایی نامیده می‌شود. بدین‌معنا که برای فقرزدایی، دولتها، نظام بین‌المللی و سازمان ملل متحد متعهد به زدودن آن هستند.

**ب- اهمیت جامعه مدنی در فقرزدایی**

وجود جامعه مدنی برای فقرزدایی ضروری است. پیشرفت واقعی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از مردم سرچشمه می‌گیرد و فرایندی پیوسته و جاری است. یک حقیقت اساسی در قرن بیست و یکم وجود دارد و آن اینکه کشورهای قدرتمند و پویا دارای جوامع مدنی قدرتمند و پویا هستند. گسترش چشمگیری در اندازه، دامنه و ظرفیت جامعه مدنی در سراسر جهان در طول دهه گذشته، به‌وجود آمده است که این امر با فرایند جهانی شدن، گسترش حکومت دموکراتیک، ارتباطات از راه دور و یکپارچه سازی اقتصادی اتفاق افتاده است. با توجه به سالنامه سازمانهای بین المللی، تعداد سازمانهای غیردولتی بین‌المللی از

1. Hadiprayitno



Archive of SID

www.SID.ir

۶۰۰۰ سازمان در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۵۰،۰۰۰ سازمان در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. سازمانهای جامعه مدنی نیز تبدیل به بازیگران مهمی برای ارائه خدمات اجتماعی و اجرای برنامه‌های توسعه شده‌اند. این سازمانها مکمل اقدامات دولتها، به‌ویژه در مناطقی که حضور دولت بر اساس شرایط پس از جنگ و یا حوادث طبیعی غیرمترقبه، ضعیف شده، می‌باشد. به‌طور مثال یکی از موارد دخالت سازمانهای جامعه مدنی در امداد رسانی پس از فاجعه سونامی در آسیا را می‌توان نام برد که به بازسازی سونامی بعد از سال ۲۰۰۶ پرداختند. (بانک جهانی، ۲۰۱۳). طی دو دهه گذشته، نفوذ سازمانهای جامعه مدنی در شکل دادن به سیاست عمومی جهانی افزایش یافته است. این پویایی با ایجاد کمپینهای موفقی در مسائلی نظیر ممنوعیت مینهای زمینی، لغو بدهیها و حفاظت از محیط زیست به تصویر کشیده شده است که هزاران نفر از طرفداران در سراسر جهان در حمایت از آن بسیج شده‌اند.[1] یک نمونه از پویایی جامعه مدنی جهانی، انجمن اجتماعی جهان می‌باشد که سالانه از سال ۲۰۰۱ در قاره‌های مختلف برگزار شده است، و طی آن ده‌ها هزار نفر از فعالان سازمانهای جامعه مدنی به بحث در مورد مسائل توسعه جهانی پرداخته‌اند. مثال دیگر از اهمیت جامعه مدنی فراخوان جهانی اقدام علیه فقر[2] است. این کمپین جامعه مدنی بین‌المللی درصدد کاهش بدهی و کمک بیشتر به کشورهای فقیر است. در سال ۲۰۰۸، تخمین زده شد که این سازمان توانست بیش از ۱۱۶ میلیون نفر از شهروندان را برای شرکت در حوادث فقر در شهرها در سراسر جهان بسیج نماید. (بانک جهانی،۲۰۱۳)

از این‌رو سازمانهای جامعه مدنی از اهمیت زیادی در فقرزدایی برخوردارند که از چند منظر قابل بررسی است.

۱- سازمانهای جامعه مدنی به‌عنوان حدواسط میان دولت و جامعه عمل می‌کنند. جامعه مدنی همراه با دولت، نماینده مردم و بازار کارآمد از عناصر ضروری هر کشور آزاد است.

1. World Social Forum, WSF
2. Global Call to Action Against Poverty (GCAP)



Archive of SID

www.SID.ir

جامعه مدنی فضایی است که به‌عنوان میانجی بین فرد و دولت عمل کرده که آنرا از بخش دولتی و تجاری متمایز می‌سازد. همانگونه که پیشتر ذکر شد، جامعه مدنی شامل نهادهایی نظیر سازمانهای غیردولتی، سازمانهای مذهبی، اتحادیه های کارگری، سازمانهای خیریه، گروههای اجتماعی، سازمانهای غیرانتفاعی، رسانه‌ها و... می‌باشد. در یک دموکراسی سالم این نهادها مکمل فرآیندهای رسمی مانند رأی دادن و کمک به شهروندان در شکل دادن به فرهنگ، سیاست و اقتصاد ملت خود عمل می‌کنند.

دولت برخلاف شبکه پهناور و گسترده‌ای که دارد می‌تواند به‌طور فیزیکی و اجتماعی از فقرا فاصله داشته باشد. بنابراین سازمانهای جامعه مدنی زمینه‌هایی را که می‌توانند نقش مهم و واسطه‌ای برای ارائه خدمات به فقرا داشته باشند، ترویج می‌کنند. این سازمانها، کارآیی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند. ظهور سازمانهای مردم نهاد ویژه‌ای که دارای کارکردهایی در بعضی بخشها هستند دولت‌ها را قادر ساخته است که با این سازمانها در اجرای مسائلی مانند مشاوره و اطلاع‌رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی همکاری داشته باشند.

امروزه ثابت شده است که تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی که پایدار و عادلانه باشد به‌طور فوق‌العاده‌ای پیچیده است و دانش و منابع دولت و جامعه مدنی را که شامل سازمانهای مردم نهاد می‌شود، طلب می‌کند. دولتهایی که به تنهایی عمل می‌کنند، به سختی می‌توانند با همه مسائل چنین توسعه‌ای کنار بیایند. بنابراین باید مسائل در حال تغییر توسعه توسط دولت‌ها، سازمانهای مردم نهاد، اجتماعات محلی و خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد و یک مشارکت و همکاری قوی بین دولت و جامعه مدنی پدید آید و به‌طور جدی پیگیری شود (اسفندآبادی، ۱۳۸۶).

۲- سازمانهای جامعه مدنی بهترین نهادهایی هستند که می‌توانند موجبات مشارکت مردم خصوصاً گروه های فقیر جامعه را فراهم آورند. برای دستیابی به توسعه باید به



Archive of SID

www.SID.ir

توسعهٔ مشارکتی بر اساس تجارب موجود، روی آورد که پایدارترین شکل توسعه است. تعاریف مختلفی از مشارکت ارائه شده است؛ یکی از این تعاریف بر این اساس است که مشارکت یعنی باور به اینکه ذی صلاح‌ترین فرد یا گروه برای تعیین تکلیف جریان تغییر، آنهایی هستند که زندگی و معیشتشان بیشترین تاثیر را از آن جریان می‌پذیرد. به تبع این باور، مشارکتی عمل کردن یعنی به‌گونه‌ای باید عمل کرد که این افراد قدرت تاثیرگذاری روی این جریان‌ها را پیدا کنند (موسوی‌نژاد، ۱۳۹۲). زیرا در این روش مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا، نگهداری و نظارت برعهدهٔ خود مردم است. مشارکت فقرا در امر فقرزدایی بر آن است که هر برنامه فقر زدایی و هر ابتکار توسعه‌ای در بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی بدون مشارکت اجتماع شانس کمی برای موفقیت دارد. قابل ذکر است که بسیاری از تلاشهای گذشته جهت مبارزه با فقر شامل تلاشهای از خارج بود که به موجب آنها خود افراد فقیر به‌عنوان هدف مدنظر بودند و به آنان به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان یا عاملانی نگریسته نمی شد که در صورت داشتن انگیزه و مهارتهای مناسب کار به فکر بهبود اوضاع خود باشند. رهیافت مشارکتی برای فقرزدایی معتقد است تنها راه غلبه فقرا بر مشکلاتشان شرکت مستقیم آنان در تدوین سیاستهای اجتماعی، پیشبرد طرح ها، اجرای آنها در سطح جامعه و تقسیم منابع حاصل از آنها است (میلر و عبدالصمد، ۱۳۸۱). بنابراین، در برنامه‌های فقر زدایی، فقرا به‌عنوان یکی از شرکای اصلی باید عامل فقرزدایی باشند نه صرفاً گیرنده خدمات باشند. برای کاهش پایدار فقر، فقرا بایستی مقتدر شوند تا از فقر خودشان بکاهند و به این خاطر آنها نیازمند ابزارهایی هستند تا خودشان به کاهش فقر بپردازند. (برنامه عمران سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲)[1] بنابراین فرض ضمنی رهیافت مشارکتی و بسیج اجتماعی این است که در یک جامعه افراد برای رفاه خود و خانواده شان و همچنین جامعه و اجتماع خویش می‌خواهند و قابلیتهایی دارند

1. UNDP



Archive of SID

www.SID.ir

تا خودشان کارهای زیادی انجام دهند. این رهیافت برای کاهش فقر، ابتکار یا مدلی است که عمدتاً خاستگاه آسیایی دارد. ریشه این مدل اساساً به تجربه گرامین بانک بنگلادش، کمیته پیشرفت روستایی بنگلادش، پروژه بایلوت اورنگی در کراچی و برنامه حمایت فقرای روستای آقاخان در پاکستان، انجمن زنان خویش فرما و مجمع زنان کارگر در هندوستان و برخی تجربیات دیگر بر می‌گردد که در آن بسیج اجتماعی و سازماندهی فقرا به‌عنوان کلید موفقیت شناخته شده است. اصل بنیادین بسیج اجتماعی این است که فقرا باید خود راه حل مشکلات ناشی از فقرشان را شناسایی و آنها را به‌کار گیرند. ارزیابی مشارکتی فقر، یک فرایند پژوهشی مشارکتی است که به‌دنبال درک فقر در زمینه‌های محلی، اجتماعی، نهادی و سیاسی می‌باشد. این امر ترکیبی از دیدگاههای طیف وسیعی از ذینفعان و مسائل مربوط به کسانی است که به‌طور مستقیم در پیگیری برنامه‌ریزی اقدامات فقرزدایی دخیل‌اند. ارزیابی مشارکتی فقر را می‌توان به‌عنوان ابزاری تعریف نمود که دربردارنده دیدگاه مردم فقیر در تجزیه و تحلیل از فقر و تدوین رویکردهای فقرزدایی از طریق سیاستهای عمومی است.

از این‌رو در سالهای اخیر شاهد یک انقلاب آرام در تحلیل سیاستهای توسعه بوده است. به کارگیری فزاینده رهیافتهای مشارکتی توسط سازمانهای غیردولتی، دولتها و آژانسهای چندملیتی، راههای جدیدی را برای تاثیرگذاری اقشار ضعیف، فقیر، در حاشیه مانده و مستثنی شده، بر سیاستها گشوده است. تحلیل مشارکتی سیاستها، رویه های سنتی سیاستگذاری را زیر سؤال برده، رفتار و نگرش سیاستگذاران را به چالش طلبیده و بر نوع و محتوای سیاستها نیز تاثیر گذاشته است. با بهره گیری از رهیافتهایی مانند ارزیابی مشارکتی فقر[1] سعی می‌شود که شرایطی فراهم آید تا مردم محلی، به‌ویژه آنهایی که معمولاً از چشم بیرونیها پنهان بوده‌اند، بتوانند به تحلیل واقعیتها و اولویتهای خود بپردازند و

1. Participatory Poverty Assessment (PPA)



Archive of SID

www.SID.ir

همزمان سعی می‌شود که یافته‌های ارزیابی و پژوهش وارد فرایند طراحی سیاستهای ضدفقر شود. (هولاند، ۱۹۹۸).[1] در دهۀ اخیر سیاستگذاران جهانی به اهمیت مشارکت مردم، خاصه گروه محروم، در زمینۀ فقرزدایی وقوف پیدا کرده‌اند. جامعۀ مدنی، به‌ویژه تشکلهای داوطلب مردمی، بهترین نهادهایی هستند که می‌توانند به این آرمان جامۀ عمل بپوشانند.

به‌طور کلی جامعه مدنی به فعالیت در جهت ارائه خدمات به بخشهای نیازمند در جامعه پرداخته و سعی می‌کنند تا تسهیل‌کننده فرآیندهای تحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطوح گروهها و افراد جامعه باشند و همچنین می‌کوشند تا میان واحدها و سازمانهای مختلف نوعی هم‌افزایی و اتفاق و اتحاد ایجاد کنند و روحیه مشارکت جمعی میان افراد در جامعه و سازمانها را عملی سازند.

سازمانهای جامعه مدنی با توجه به ویژگیهای داوطلبانه و مردمی بودن، قادر به جذب مشارکت مردم در فعالیتهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند. اصولاً بزرگ‌ترین نقطه قوت سازمانهای غیردولتی، به رهیافت و روشی برمی‌گردد که آنها در برانگیختن مشارکت مردمی به کار می‌بندند. این سازمانها نقش کاتالیزور را در فرآیند تسهیل توسعه مشارکتی ایفا می‌کنند. سازمانهای جامعه مدنی به دلیل برخورداری از معافیتهای مالیاتی، یارانه‌ها و سایر اشکال امتیازات مشارکتی، کارکردهای کلیدی در تدارک چارچوب نهادی برای مشارکت مردم دارا هستند. سازمانهای جامعه مدنی از مزایایی برخوردارند:

۱- از پیوندهای قوی محلی برخوردارند،

۲- ساختار آنها کمتر دیوان‌سالارانه بوده و شیوه رهبری آنها مشارکتی‌تر است،

۳- از کارکنان باانگیزه‌تری برخوردار بوده و زمینه مناسبی برای ابتکار و کارآفرینی

1. Holland



Archive of SID

www.SID.ir

فراهم می‌آورند،

۴- در خدمات‌رسانی به گروههای محروم مانند فقرا و افراد بی‌زمین موفق‌تر عمل می‌کنند،

۵- توجه بیشتری به کشاورزی پایدار و محیط زیست، معطوف می‌دارند،

۶- برای ابداع و سازگاری متدلوژیهای نوین توسعه، مستعدترند،

۷- سازگاری الگوهای سازمانی با فرهنگ و سنت محلی از دیگر مزایای این سازمانها است که به خلق فناوریهای نوین منجر شود (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۱).

لازم به ذکر است که در بحث فقرزدایی صحبت از مشارکت افراد فقیر جامعه بالاخص مشارکت زنان و روستائیان ضروری می‌نماید.

سازمانهای جامعه مدنی امکان مشارکت زنان در فقرزدایی را فراهم می‌آورد. مشارکت زنان و تشکلهای زنان که آسیب بیشتری از محرومیتها می برند نیز لازم و واجب است. در این راستا دولتها و حکومتها باید تنگناها و موانع را از سر راه تشکلها بردارند تا آنها بتوانند با اتکاء به قدرت مردمی با اهریمن فقر مبارزه کنند. اصل احترام به نقش تشکلها و برخورد برابر با آنها و مشارکت دادن آنان به‌صورت همکاران مساوی در زمینه های بررسی، برنامه‌ریزی و اجرا، امری است که باید از سوی سیاستگذاران مورد توجه قرار گیرد. اهمیت تشکلهای مردمی به جهت ارتباط نزدیک با مردم خصوصاً با گروههای کم بهره و آسیب پذیر است. این تشکلها به اتکاء اعتماد و یاری مردم کار می کنند بنابراین بهتر می توانند صدای محرومین را منعکس کنند . قدرت خلاقیت، ابتکار و تحرک این تشکلها نسبت به نظام دیوان سالارانهٔ حکومتها بیشتر است و برای نوآوری در موقعیت مساعدتری قرار دارند. در نتیجه بهتر و مؤثرتر و اقتصادی تر می توانند طرحها را اجرا کنند و نواقص و کمبودهای موجود را رفع کنند. (عابدی، ۱۳۸۰)

مشارکت روستائیان نیز در فقرزدایی موضوع بسیار مهمی در امحای فقر می‌باشد. توسعه روستایی راهبردی است برای توانمند سازی گروه خاصی از مردم شامل زنان و



Archive of SID

www.SID.ir

مردان فقیر، و توسعه روستایی باید این گروه را وادار سازد تا آنچه را که مورد نیاز خود و فرزندانشان است تأمین نمایند، کمک کردن به فقیرترین گروه های روستایی تا بتوانند از منابع توسعه حداکثر استفاده را ببرند. (چمبرز[1]، ۱۹۸۳).

حدود ۷۵٪ از مردم فقیر جهان معمولاً در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (به نقل از روزنامه انتخاب، ۱۳۹۳) و بسیاری از آنها فقط به اندازه امرار معاش تغذیه خود و خانواده خود محصول تولید می‌کنند. آنها معمولاً هیچ چیز اضافی که می‌تواند به فروش برسد و درآمدزایی کند را ندارند. هنگامی که کل منطقه درگیر کشاورزی برای امرار معاش است، پول اضافی که در امر تجارت به‌کار رود وجود ندارد. این امر به این معناست که در جامعه پولی برای جاده ها، برق و سایر خدمات موجود نیست. جوامع روستایی در این کشورها، اغلب دارای جمعیت زیاد بدون هیچ‌گونه پایه تولیدی، زیرساختی و یا خدماتی می‌باشد. اینها مسائلی هستند که در ابتدا در برنامه‌های فقرزدایی و سپس توسعه روستایی باید به آن توجه شود. (ویلیام[2]، ۱۹۹۸).

امروزه، زمینه‌سازی برای حضور کارآمد مردم روستایی و نهادینه‌سازی مشارکت آنان در قالب سازمانهای جامعه مدنی برای نیل به توسعه مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. سازمانهای جامعه مدنی با ساختارهای انعطاف‌پذیر و گستردگی و پراکندگی در نقاط دوردست کشور قادر به انجام بسیاری از فعالیت‌های فقرزدایی هستند، که دولتها و بخش خصوصی توانایی انجام‌دادن آنها را ندارند. به‌طوریکه این سازمانها، به منزله واحدهای بسیج‌کننده محلی از قدرت عمل بسیار بالایی در مناطق روستایی برخوردارند. آنان می‌توانند مشارکت مردمان محلی را جلب و گروههای داوطلبی را سازماندهی کنند که با همیاری هم اهداف توسعه را در این مناطق عملی سازند.

از سوی دیگر با استقرار سازمانهای جامعه مدنی در محله‌های روستایی و عضویت فرد

1. Robert Chambers
2. Jessica William



Archive of SID

www.SID.ir

در آن سازمانها، به نوعی مردم با شیوه‌ها و روشهای جدید مشارکت در امور آگاه می‌شوند و نوعی تمرین مشارکت را انجام می‌دهند که آنان را به‌صورت اعضای فعال سیاسی جامعه خود در می‌آورد. این سازمانها با طرح مسائل تازه و مشخص ساختن نیازهای مردم، در ذهن افراد سؤالات جدیدی را مطرح می‌سازند که موجد بروز خلاقیت و نوآوری در آنان می‌شود. در نتیجه، این امر می‌تواند به ابداع شیوه‌های جدید برخورد با مسائل بیانجامد. سازمانهای جامعه مدنی نیز در این شرایط جایگاه عمده‌ای در توسعه پیدا کرده‌اند، زیرا سازمانهای مذکور می‌توانند با ایفای نقشها و کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، بخش دولتی را در امور توسعه یاری دهند و به‌طور مؤثری در فرآیند توسعه عمل کنند (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۱).

**ج- جایگاه سازمانهای جامعه مدنی در زمینه فقرزدایی**

در پروژه‌های فقرزدایی مشارکت بخش دولتی و بخش خصوصی یکی از راهکارهایی است که می‌تواند به فقرزدایی منجر شود. انگیزه اصلی چنین مشارکتی آن است که سازمانهای دولتی ترجیح می‌دهند به جای درگیری مستقیم در پروژه‌های مختلف فقرزدایی، به سیاست‌گذاری برای افزایش رونق این قبیل پروژه‌ها بپردازند و با اعتماد به کارآیی سازمانهای جامعه مدنی و دارای کارنامه موفق، نسبت معینی از هزینه مربوط به اجرای پروژه‌های جدید توسط این سازمان را بر عهده بگیرند (کاتلر، ۱۳۹۰).

به‌عنوان مثال مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی سندی به نام اعلامیه اهداف توسعه هزاره ملل متحد را به تصویب رساند که ریشه‌کنی گرسنگی و فقر شدید هدف نخستین آن بود. در راستای تحقق به این امر مهم یکی از راهکارهایی که در پیش گرفته شد، تلاش برای کاهش بدهی بود که این امر یکی از موضوعات مبارزه گسترده سازمانهای جامعه مدنی شد. اینگونه کمپینها موفق شدند که بخشش بدهی را در دستور کار دولتهای غربی و سازمانهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک



Archive of SID

www.SID.ir

جهانی قرار دهند. در نهایت ابتکار «طرح کشورهای فقیر به‌شدت مقروض»[1] برای بخشش نظامند بدهی برای فقیرترین کشورها اختصاص یافت، و عنوان شد که باید جهت حصول اطمینان از اینکه این پول صرف کاهش فقر می‌شود، تلاش شود. (جانسون[2]، ۱۹۹۸)

مثال دیگر درخصوص ایران می‌باشد که از جمله موضوعات مهم که در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است، ریشه‌کنی فقر و محرومیت از جامعه است. این مسأله را می‌توان در اصول ذیل مشاهده کرد؛ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار، بهداشت و تعمیم بیمه (اصل سوم بند ۱۲). برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری و... (اصل بیست و نهم). همچنین اصل چهل و سوم با صراحت به ریشه‌کنی فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان اشاره می‌کند. در همین راستا، برنامه پنج ساله چهارم توسعه در ماده ۹۵ بند ۵ به نقش تشکلهای غیردولتی در فقرزدایی که می‌توانند زمینه مشارکت عمومی را فراهم آورند، اشاره کرده است. بر اساس این بند، ارتقاء مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریتهای منطقه‌ای و حمایتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاهها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی باید صورت پذیرد (برنامه پنج ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵-۱۳۸۹).

مثال دیگر در این ارتباط اجرای پروژه فقرزدایی در دسامبر ۲۰۰۵، توسط دولت چین بود که سازمانهای غیردولتی را به مناقصه دعوت کرد. این نخستین باری بود که دولت چین درهای بخشهای فقرزدایی را به روی سازمانهای غیردولتی باز می‌کرد.

1. The Heavily Indebted Poor Countries (HIPC)
2. Johnson



Archive of SID

www.SID.ir

**جعبه (۱) روش های مختلف سازماندهی طرح های توسعه جامعه /محله محور**

– مشارکت بین نهادهای محله‌ای (هسته‌های مردمی) و مقامات محلی (شوراها و شهرداریها) با تسهیل‌گری تشکلهای غیردولتی؛

– مشارکت بین نهادهای محله‌ای با تشکل های غیردولتی با تسهیل‌گری مقامهای محلی؛

– مشارکت مستقیم نهادهای محله‌ای با دولت مرکزی و یا یک منبع بودجه/ صندوق خودیاری مرکزی، با تسهیل گری مقامات محلی

دولت معتقد بود که مشارکت سازمانهای یاد شده در فقرزدایی کشور برای ارتقاء کارآیی و شفافیت استفاده از منابع فقرزدایی و توسعه این سازمانها در چین مساعد می‌باشد. دولت معتقد بود که همکاری سازمانهای غیردولتی با دولت می‌تواند کارآیی استفاده از منابع فقرزدایی را ارتقا دهد. با این اقدام دولت می‌تواند اهداف سیاسی خود را تحقق بخشد و مسأله فساد در جریان استفاده از سرمایه‌ها را کاهش دهد. همچنین سازمانهای غیردولتی می‌توانند به‌طور مطلوبتر و کامل تر وظایف خود در قبال جامعه را انجام دهند. بعد از آن، این سازمانها در زمینه فقرزدایی بسیار فعال هستند. آنها با استفاده از الگوهای پیشرفته بین‌المللی مدیریت، مستقیماً به خانواده های روستایی کمک کرده و برای تدوین سیاستهای فقرزدایی توسط دولت نقش مهمی ایفا کرده اند. (گوانگ، ۲۰۰۵).

به همین ترتیب، در سطح جهان تجربیات موفق عدیده ای وجود دارد که توسط تشکل های غیردولتی بومی با پشتیبانی مالی مقامات محلی، دولت مرکزی و آژانسهای بین‌المللی صورت گرفته است. آنچه که تمام این پروژه های محله‌ای در آن مشترک می باشند حضور فعال نهادهای محله‌ای/ محلی[۱] در تمام عرصه های برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد. در جداول ذیل روشهای مدیریت و سازماندهی چنین طرحهایی خلاصه شده است (شیخ، ۱۳۸۳).

۱– لازم به ذکر است که نهادهای فوق الذکر نمونه‌هایی از سازمانهای جامعه مدنی می‌باشند.



Archive of SID

www.SID.ir

**جدول (۱) تفکیک مسئولیتها در طرح های توسعه جامعه /محله محور**

| مسئولیت | مشارکت نهاد محله‌ای و مقامات محلی | مشارکت نهاد محله‌ای و تشکلهای غیردولتی | مشارکت نهاد محله‌ای و دولت مرکزی |
|---|---|---|---|
| سرمایه گذاری | – مقامات محلی و یا نهاد محله‌ای به‌صورت نقدی و یا غیرنقدی<br>– پشتیبانی مالی پایاپای بین نهاد محله‌ای و مقامات محلی<br>– انتقال وجوه نقدی به صندوق محلی از طرف بخشهای ذینفع مقامات محلی | – نهاد محله‌ای به‌صورت نقدی ویا غیرنقدی – پشتیبانی مالی پایاپای از طرف دولت مرکزی به‌طور مستقیم ویا از طریق تشکلهای غیردولتی<br>– تزریق منابع تجهیز شده تشکلهای غیردولتی | نهادهای محله‌ای به‌صورت نقدی و یا غیرنقدی پشتیبانی مالی پایاپای از دولت مرکزی |
| بسیج اجتماعی | مقامات محلی با کمک تشکلهای غیردولتی در چارچوب قراردادی مشخص | تشکل غیردولتی با حمایت مالی دولت مرکزی/ محلی و یا منابع تجهیز شده توسط خودشان | در چارچوب یک طرح ملی |
| کارآموزی وظرفیت‌سازی | مقامات محلی با کمک تشکل های غیردولتی و یا بخش خصوصی در چارچوب قراردادی مشخص | تشکلهای غیردولتی و یا بخش خصوصی برای نهادهای محله‌ای | تشکل های غیردولتی و یا بخش خصوصی انتخاب شده توسط نهاد محله‌ای |
| نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازها | مشاورین به‌همراه جوامع محلی و نهادهای محلی با تسهیلگری مقامات محلی | توسط تشکلهای غیردولتی از افراد و یا خانوارهای محله | خانوارهای محله‌ای با کمک تشکلهای غیردولتی منتخب نهاد محله‌ای |
| تأئید سرمایه‌گذاریها | مقامات محلی تفویض اختیار به تشکلهای غیردولتی / نهادهای محله‌ای /دولت مرکزی یا محلی | دولت مرکزی و در صورت اعمال سیاست | تمرکززدائی دولت محلی |
| طراحی و اجرا | مقامات محلی به‌طور مستقیم و یا توسط تشکل های غیردولتی و بخش خصوصی | نهادهای محله‌ای با کمک تشکل های غیردولتی و حمایت مقامات محلی | نهاد محله‌ای با کمک تشکلهای غیردولتی در چارچوب قراردادی مشخص |
| اجرا نگهداری | مسئولیتها بین مقامات محلی و نهاد محله‌ای بسته به ماهیت کار تقسیم می‌شود. | نهاد محله‌ای با کمک تشکل های غیردولتی و یا بخش خصوصی و در صورت امکان مقامات محلی | نهادهای محله‌ای، در بعضی موارد با کمک بخش خصوصی محلی، دولت مرکزی و یا محلی |



Archive of SID

www.SID.ir

**د- چالش های موجود در گسترش نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی**

همانگونه که ذکر شد، سازمانهای جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای در امر فقرزدایی برخوردارند به‌طوریکه این سازمانها می‌توانند منعکس‌کننده نظرات مردم فقیر باشند. با وجود این مشکلاتی فراروی سازمانهای جامعه مدنی درخصوص مسأله فقرزدایی وجود دارد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

**۱- شناسایی سازمانهای جامعه مدنی**

اولین و مهم‌ترین چالش، شناسایی سازمانهای جامعه مدنی است که کدام یک می‌تواند بشکل پایداری موجبات فقرزدایی را فراهم کند که به نفع کل جامعه باشد. جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی در یک طیف گسترده وسیعی وجود دارند که تقریباً غیرقابل شناسایی هستند. وظیفه شناسایی سازمانهایی که واقعا مردم محور و بر مبنای حقوق بشر هستند ضروری است تا اطمینان حاصل شود که با گسترش نقش آنها و اتخاذ سیاستهای توسعه یافته امکان ریشه‌کن شدن فقر وجود خواهد داشت.

**۲- اثربخشی و نفوذ**

مطالعه‌ای[۱] که در خصوص جامعه مدنی در ۲۵ کشور صورت گرفت نشان می‌دهد که اکثریت سازمانهای جامعه مدنی نفوذ کمی در طبقه متوسط و پایین دارند، در حالی که این سازمانها با نفوذ بیشتری در دولت و بخش خصوصی متمرکز شده اند. آنان تمایل دارند که در بنیادهای خصوصی نفوذ بیشتری به‌دست آورند. بسیاری از نهاد های جامعه مدنی با افزایش نفوذ قادر به‌دسترسی به رسانه‌ها و منابع انسانی بیشتری می‌شوند که به آنها اجازه

۱- از مراکز مطالعاتی که در این زمینه تحقیقات گرانسنگی انجام داده اند می‌توان به مراکز ذیل اشاره نمود.

Center for Civil Society / University of California, Los Angeles, Institute for Development Studies / University of Sussex, Institute for Policy Studies /John's Hopkins University, Centre for Civil Society / London School of Economics, Civicus: World Alliance for Citizen's Participation, One World Network, Development Gateway - Civil Society Page



Archive of SID

www.SID.ir

می‌دهد در جایگاه بالاتری قرار گیرند. (فرگوسن[1]، ۲۰۱۱)

**۳- تأمین مالی**

بحرانهای مواد غذایی، زیست محیطی و اقتصادی، سازمانهای جامعه مدنی و نیز جوامعی که بدانها کمک می‌شد را به چالش کشیده‌اند. بخش سازمان ملل متحد برای سیاست اجتماعی و توسعه[2] و کمیته راهبری جامعه مدنی[3]، بررسی گسترده‌ای را در سال ۲۰۰۹ انجام دادند. این بررسی به‌منظور ارزیابی تأثیر بحرانهای فوق‌الذکر بر ظرفیت عملیاتی سازمانهای جامعه مدنی در سراسر جهان انجام شد. در این مطالعه از ۶۴۰ سازمان جامعه مدنی خواسته شد به این پرسش پاسخ دهند که آنها چه رویکردهایی را برای تقویت ظرفیت خدمات اجتماعی با توجه به درآمد اندک خود در طول دوره بحران انجام داده اند. در این مطالعه می‌توان برخی از فرصتهای از دست رفته برای کاهش فقر را که می‌توانست رخ دهد، ملاحظه نمود. به دلیل بحران، کاهش درآمد حاصل شد و در همان زمان تقاضا برای خدمات افزایش یافته و نیاز به کمکهای مالی بیشتر شد. نهادهای جامعه مدنی گزارش دادند که این سازمانها با افزایش مقدار و دامنه درخواستها جهت پشتیبانی به دلیل تغییرات آب و هوایی و بحران مواد غذایی بزرگ مواجه شده‌اند. بیش از نیمی از نهادهای جامعه مدنی در پاسخ به گزارش عنوان کردند که تقاضا برای خدمات در حال افزایش قابل ملاحظه‌ای است. آنها پروژه‌ای برای دو سال آینده ارائه دادند که شامل افزایش بیشتر درخواستها برای تسکین موارد اضطراری و برای پشتیبانی از ارائه خدمات اساسی اجتماعی بود. بعدها در این مطالعه شرکت‌کنندگان سازمانهای جامعه مدنی به صراحت به دولتها توصیه هایی نمودند که اقدامات خاصی را برای کاهش فقر در ابعاد

1. Catherine Ferguson
2. United Nations Division for Social Policy and Development
3. Civil Society Steering Committee



Archive of SID

www.SID.ir

مختلف انجام دهند. (هنفستانگل، ۲۰۱۰)[1]. ابتدا، از دولتهایی که در آن سازمانهای جامعه مدنی قرار دارند خواسته شد که برای برنامه‌های توسعه اجتماعی منابع لازم را بسیج کنند. از جمله مواردی نظیر مقابله با فساد به‌طور مؤثر و اتخاذ سیاستهای مالیاتی که دارای ساختار نسبتا عادلانه‌ای باشد. اجرای برنامه‌های مورد نیاز در شبکه ایمنی اجتماعی، حمایت از درآمد برای فقیرترین افراد جامعه و اجرای برنامه کار مناسب و معقول گنجانده شده است. در سطح بین‌المللی، شرکت‌کنندگان که دولتهای کمک‌کننده نامیده می‌شوند می‌توانند گامهای اساسی برای کمکهای توسعه‌ای رسمی به دیگر کشورها از طریق سازمانهای جامعه مدنی بر روی کره زمین بردارند، به‌ویژه در کشورهایی که در آن سازمانهای جامعه مدنی با فساد دولتی و بی تفاوتی سیاست مواجه شده‌اند.

چالشهایی که سازمانهای جامعه مدنی در ایران با آن مواجه‌اند را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف- حاکمیت: مهم‌ترین چالش فراروی نهادهای مردمی، قدرت سنتی دولت می‌باشد. علاوه بر دولت، عوامل دیگری نیز حیات و کارکرد نهادهای غیردولتی را تهدید می‌کند که از جمله می‌توان به نقش دخالت قوای سه گانه در وظیفه اصلی نهادهای مدنی یعنی مشارکت سیاسی مردم، عدم مشخص بودن دقیق وظایف متقابل قوای سه گانه و نهادهای غیردولتی در قبال یکدیگر، تمایل و تلاش برخی از رهبران سیاسی در جامعه برای حفظ نقش محوری خود در جامعه، علاقه برخی از رهبران ایران به حفظ مشارکت توده‌ای در صحنه سیاسی ایران، مداخله نهادهای انقلاب و برآمده از انقلاب در بسیج مردم، اشاره کرد.

ب- مردم: علاوه بر حاکمیت در قاعده هرم، جامعه، نیز چالشهایی فراروی نهادهای مردمی و کارکرد آنها ایجاد می‌کند. به لحاظ رفتاری مهم‌ترین چالش ناشی از روحیه فردگرایی موجود نزد ایرانیان، حتی نخبگان آن است. دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و

1. Eva-Maria Hanfstaengl



Archive of SID

www.SID.ir

سیاسی سبب گردیده تا ایرانیان، حتی نخبگان آن، به کار فردی بر کار جمعی و تصمیم‌گیری به‌صورت انفرادی بجای راهکار مشارکتی بیشتر علاقه‌مند باشند.

ج- نظام بین‌الملل: علاوه بر تهدیدات داخلی، به لحاظ خارجی نیز حیات نهادهای مدنی در ایران از منظر تاریخی به دو طریق تهدید گردیده است: اول در طول تاریخ معاصر ایران بسیاری از دولتهای خارجی سعی در نزدیکی به سازمانهای مردمی در ایران و استفاده ابزاری از آنها برای نیل به اهداف خود در ایران داشته‌اند. دوم وابستگی برخی از احزاب به قدرتهای خارجی، نظیر اتکاءحزب توده به شوروی قبل و بعد از انقلاب، نه تنها سبب گردید تا نزد بسیاری از ایرانیان نوعی ذهنیت منفی از نهادهای غیردولتی شکل بگیرد بلکه این موضوع بهانه مناسبی دراختیار سازمانها و نیروهای مخالف نهادهای دمکراتیک در تاریخ معاصر ایران قرارداد تا از آن چنان پتکی برای کوبیدن نهادهای مدنی استفاده کرده و اقدامات غیردمکراتیک خود را توجیه و مشروعیت ببخشند (مسعودنیا، ۱۳۸۴).

دوم، نگاه سازمانهای جامعه مدنی به جامعه بین‌المللی است و آنها خواهان همکاری مؤثرتر در مسائل اقتصادی و اطمینان از همکاریهای بین‌المللی مورد نیاز برای کنترل فرار از پرداخت مالیات، توسعه منابع جدید تأمین مالی برای حمایت اجتماعی هستند.

آنها همچنین بیان کردند که اصول جهانی نیاز به تجدید نظر دارد. به‌طوریکه باید سیاستهای اقتصادی و مالی بین‌المللی را از طریق منشور جدید سازمان ملل متحد برای یک بازار پایدار اقتصادی باجهت گیری اجتماعی تصویب نمود. مردم در سراسر جهان کمتر از قبل قادرند که فقط بر کمکهای خودشان متکی باشند. به‌طور مشابه، بنیادهای خصوصی با کاهش ظرفیت برای ارائه بودجه به‌عنوان دارایی و درآمد خود در این بحران مواجه شده اند. بنابراین، دولتهای آینده و نهادهای بین‌المللی نیاز به گام برداشتن و عمل کردن «برخلاف جهت معمول» هستند و برای اجرای برنامه‌های لازم جهت فقرزدایی باید به دنبال راهی برای نهادینه کردن حمایت مالی از سازمانهای جامعه مدنی در طول بحرانهای جهانی باشند (هنفستانگل، ۲۰۱۰).



Archive of SID

www.SID.ir

## نتیجه‌گیری

فقر دارای ماهیت چندوجهی است. بدین‌معنا فقط افرادی که کمترین میزان درآمد را دارا هستند فقیر محسوب نمی‌شوند، بلکه اشخاصی که بیشتر از سایرین از سلامت، آموزش و سایر ابعاد رفاه انسانی محروم هستند نیز فقیر تلقی می‌شوند. در سال ۲۰۰۱ راهنمای کمیته کمکهای توسعه‌ای[1] در فقرزدایی خاطرنشان ساخت که اشکال مختلف محرومیت که از فقر ناشی می‌شوند عمدتاً اقتصادی، انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حمایتی (امنیت) هستند، ابعاد مختلف محرومیت در ارتباط با یکدیگر بوده و از آنجا که فقر مجموعه‌ای از اشکال به هم پیوسته محرومیت است، پیشرفت در حل فقر اقتصادی ممکن است به حل ابعاد دیگر فقر کمک کرده و پیشرفت در زدودن فقر را تسهیل می‌نماید. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[2]، ۲۰۰۶). در مجموع شکستن دور باطل فقر مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هم زمان است. یک اقدام خاص به تنهایی کافی نخواهد بود. از جمله این اقدامات می‌توان به نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی اشاره نمود. از اقدامات دیگر می‌توان به شناسایی فقرا، تامین ابزارهای لازم برای هر فرد انسانی از سوی دولتها در جهت فقرزدایی، اولویتهای اساسی در برنامه‌های ملی، کمکهای کشورهای توسعه یافته و اقدامات سازمان ملل در خصوص فقرزدایی اشاره کرد.

اهمیت مشارکت مردم، خاصه گروه‌های محروم، در زمینهٔ فقرزدایی بسیار مهم است. بنابراین سازمانهای جامعهٔ مدنی، به جهت ارتباط نزدیک با مردم خصوصاً با گروههای کم بهره و آسیب‌پذیر بهتر می‌توانند صدای محرومین را منعکس کرده، پس از اهمیت ویژه‌ای در این خصوص برخوردارند. این سازمانها برای ارائه خدمات به بخشهای نیازمند جامعه فعالیت کرده و سعی می‌کنند تا تسهیل‌کننده فرآیندهای تحول اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح گروهها و افراد جامعه باشند و همچنین می‌کوشند تا میان واحدها و سازمانهای

1. Development Assistance Committee
2. OECD



Archive of SID

www.SID.ir

مختلف نوعی هم‌افزایی و اتفاق و اتحاد ایجاد کنند و روحیه مشارکت جمعی میان افراد در جامعه و سازمانها را عملی سازند. امروزه سازمانهای جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای در زمینه‌سازی برای حضور کارآمد مردم و نهادینه‌سازی مشارکت آنان در قالب سازمانهای غیردولتی برای نیل به توسعه برخوردار شده‌اند. سازمانهای غیردولتی به منزله واحدهای بسیج‌کننده محلی از قدرت عمل بسیار بالایی در مناطق برخوردارند. آنان می‌توانند مشارکت مردمان محلی را جلب و گروههای داوطلب را سازماندهی کنند که با همیاری هم اهداف توسعه را در مناطق، عملی سازند. این سازمانها نقش کاتالیزور را در فرآیند تسهیل توسعه مشارکتی ایفا می‌کنند. البته مشکلاتی فراروی سازمانهای غیردولتی در خصوص مسأله فقرزدایی وجود دارد. از جمله می‌توان به شناسایی سازمانهای جامعه مدنی، اثربخشی و نفوذ، و چالش تأمین مالی اشاره کرد. در پایان توصیه‌های چندی در جهت افزایش نقش سازمانهای جامعه مدنی در فقرزدایی به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

• مردمی که در فقر زندگی می‌کنند باید قادر به ایجاد محیطی مشارکتی باشند به‌طوریکه آنها بتوانند در تعیین و اجرای تصمیمات و سیاستهایی که زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد مشارکت فعالانه داشته باشند.

• سازمانهای جامعه بین‌المللی و دولتها باید چارچوب نظارتی که دارای الزام قانونی باشد ایجاد نمایند، که هدف از آن ایجاد قوانین باشد که بتواند در یک جامعه پایداری برقرار کند.

• یک برنامه اصلاحی باید به اهداف توسعه هزاره پیوست شود تا به علل فقر و شکستهای اجتماعی و زیست محیطی از مدل فعلی توسعه اقتصادی بپردازد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ میلادی طی نشستی دو روزه و پس از بررسیها وکارهای کارشناسی چندین ساله در راستای مهم‌ترین هدف بنیادین خود و با استفاده از نقطه نظرات سران ۱۴۷ کشور و دولت و در مجموع ۱۹۱ ملت و در یکی از بزرگترین گردهماییهای رهبران جهان سندی را به تصویب رساند که به نام اعلامیه اهداف توسعه هزاره ملل متحد



Archive of SID

www.SID.ir

نامگذاری شد و نقشه راه را برای سالهای آتی پیش روی جهان ترسیم کرد که شامل هشت هدف اساسی به شرح ذیل است: ۱- ریشه‌کنی گرسنگی و فقر شدید؛ ۲-محقق ساختن آموزش ابتدایی همگانی؛ ۳- ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان؛ ۴- کاهش میزان مرگ و میر کودکان؛ ۵- بهبود بهداشت مادران؛ ۶- مبارزه با گسترش بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سایر بیماریها؛ ۷- حصول اطمینان از پایداری محیط زیست؛ ۸- ایجاد مشارکتی جهانی برای توسعه[1]؛

اهداف چنین برنامه‌ای با عناوین مشخص و ریز تنظیم گردید که در صدر آن موضوع فقر و فقرزدایی قرار گرفت. تعریف نظری از فقر به فقر نسبی و فقر مطلق با شاخص درآمد روزانه به نسبت حداقل یک دلار و یا فراهم آوردن وعده غذایی مورد نیاز روزانه تعریف و توصیف شد. در خصوص اولین هدف، آرمان اعلامیه هزاره به نصف رساندن نسبت مردمی که دارای درآمد کمتر از ۱ دلار در روز هستند در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۱۹۹۰ و نیز به نصف رساندن نسبت مردمی که از گرسنگی رنج می‌برند در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال ۱۹۹۰، را مدنظر قرار داد[2].

• رشد اقتصادی معیار مناسبی برای اندازه‌گیری فقر نیست. همینطور اندازه‌گیریهایی از قبیل ۱/۲۵ دلار در روز برای شناسایی کسانی که در فقر زندگی می‌کنند نیز مؤثر نیست. همانطور که فقر موضوعی چند بعدی است، به همین دلیل باید اندازه‌گیری آن هم چند بعدی باشد. به‌عنوان مثال توجه به انواع مختلفی از فقر مانند فقر قابلیتی اهمیت دارد. فقر قابلیتی مفهومی عام‌تر از فقر درآمدی است. در فقر قابلیتی، اینکه هر فردی چه‌اندازه از تجربه، مهارت، تحصیلات و دانش برخوردار است و تا چه اندازه امکان نقش‌آفرینی و مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را دارد، اهمیتی اساسی می‌یابد و به عبارتی میزان برخورداری یا عدم برخورداری از این مجموعه قابلیتها در میزان

1. United Nations Millennium Declaration
2. United Nations



Archive of SID

www.SID.ir

یا درجه فقیر بودن یا نبودن فرد حائز اهمیت است، در واقع فقیر کسی است که قدرت انتخاب ندارد. این تعریف، تعریفی کامل‌تر از آن است که بگوییم فقیر کسی که درآمد ندارد یا درآمد کافی ندارد، چرا که در آن صورت فراسوی عنصر درآمد به این مقوله نگاه می‌کنیم. توجه کنیم آنچه می‌تواند به انسان قدرت انتخاب ببخشد، هم قابلیتهای فردی انسان و هم قابلیتهای محیطی آن است. مراد از قابلیتهای فردی، برخورداری از درآمد، دانش، تجربه، آموزش، بهداشت مناسب و نظایر آن است و از قابلیتهای محیطی نیز، برخورداری از فرصتهای مشارکت در عرصه‌های مختلف مراد می‌شود. بنابراین فقیر کسی است که فاقد قابلیتهای فردی یا محیطی مناسب است. (محمودی، ۱۳۸۴).

• برنامه جامع برای مقابله با بحران توسعه جهانی و ریشه‌های آن، کاهش تاثیرات اجتماعی آن و جلوگیری از بحرانهای آتی ضروری است. مقررات مؤثر و انجام اصلاحات در سیستم اقتصادی و مالی جهانی که بتواند بحرانهای متعددی نظیر انرژی، مواد غذایی، تغییرات آب و هوایی، و غیره را نشان دهد مورد نیاز است.

• نقش سازمانهای غیردولتی برای جلب حمایت مردمی باید گسترش یابد که این نقش برای آغاز کف حمایت اجتماعی جهانی است که در سطح ملی تعیین می‌شود.

علاوه بر پیشنهادات کلی پیش گفته می‌توان توصیه‌های چندی جهت افزایش نقش سازمانهای جامعه مدنی در خصوص فقرزدایی در قلمرو ایران عنوان نمود:

• در صورت ضعف یا فقدان سازمانهای جامعه مدنی، فقر موجب می‌شود که افراد جامعه، از شانس بسیار کمتری برای تاثیرگذاری بر روی تصمیمهای دولتی برخوردار باشند و یا به‌طور معنی‌دار در فرآیند تصمیم‌گیریها مشارکت فعال داشته باشند. سازمانهای جامعه مدنی می‌توانند در جهت ترفیع، ترویج و گسترش مشارکت مردمان فقیر در ایران تلاش نمایند. این سازمانها می‌توانند مردم را در مورد حقوق و تعهدات خود به‌عنوان شهروندان جامعه دموکراتیک آموزش دهند، و آنها را تشویق نمایند که در مبارزات انتخاباتی شرکت کرده و رأی دهند. همچنین می‌توانند به توسعه مهارتهای شهروندان برای همکاری با



Archive of SID

www.SID.ir

یکدیگر در خصوص حل مشکلات مشترک، به بحث درباره مسائل فقرزدایی و در بیان دیدگاههای خود کمک کنند.

• یکی از اهداف جامعه مدنی آموزش شهروندان برای دفاع از حقوق بشر در سطح جامعه است. مسأله آگاه ساختن شهروندان از خشونتهای گذشته و پیشگیری از خشونتهای آتی است. به بیان دیگر سازمانهای جامعه مدنی در ایران می‌توانند به توسعه ارزشهای دموکراتیک از قبیل: تحمل، میانه‌روی، سازش و احترام به نقطه نظرات مخالف کمک کنند. بدون دستیابی به این فرهنگ عمیق نمی‌توان به کاهش فقر دست یافت. این مسائل هم از طریق آموزش و هم از طریق عمل قابل تجربه است.

• هدف بعدی ایجاد فضای گفت‌وگو است که نه تنها جامعه مدنی آنرا میان شهروندان ایجاد می‌کند بلکه میان شهروندان و دولت هم ایجاد می‌کند. سازمانهای جامعه مدنی در ایران باید بتوانند مانند پلی میان شهروندان فقیر و دولت عمل می‌کند. سازمانهای غیردولتی و گروههای ذینفع می‌توانند دیدگاههای خود را به مجلس و شوراها انتقال دهند. آنها همچنین می‌توانند با وزارتخانه‌های مربوطه در خصوص منافع و نگرانیهای این قشر گفت‌وگو کنند. باید خاطر نشان ساخت که جامعه مدنی در تنش با دولت قرار ندارد. از آنجا که جامعه مدنی مستقل از دولت است به این معنا نیست که همیشه باید منتقد و مخالف دولت باشد. در واقع، این جامعه درصدد ساخت دولتی پاسخگو است. از این‌رو، جامعه مدنی درصدد تقویت احترام شهروندان به دولت و بالعکس و ترویج تعامل مثبت خود با آن است. جامعه مدنی نه تنها یک ناظر، بلکه یک شریک حیاتی در تلاش برای دستیابی به این نوع از ارتباط مثبت بین دولت دموکراتیک و شهروندان آن است.

• وظیفه سازمانهای جامعه مدنی دفاع از منافع افراد مختلف ازجمله فقرا در دستیابی به حقوق‌شان است. از این‌رو با مدیریت و سازماندهی خوب تمامی صداها شنیده خواهد شد. در نتیجه با گذشت زمان، گروههایی که در طول تاریخ مظلوم و محدود بوده و به حاشیه رانده شده‌اند (مانند فقرا بالاخص زنان و کودکان) می‌توانند به حقوق و منافع خود



Archive of SID

www.SID.ir

دست یابند.

• با اتکاء به نهادهای مردمی باید بتوان دولت و کارگزاران دولتی را به‌صورت روزانه پاسخگو نگه داشت. راه‌حل توفیق در استقرار مردم‌سالاری و اصلاحات اقتصادی مستلزم حکمرانی مردم‌سالار است که در برگیرنده، سازوکارهایی باشد که از طریق آن شهروندان به‌طور عادی بتوانند در فرآیند سیاست‌گذاری مشارکت نمایند. همه شهروندان از جمله فقرا باید اطمینان داشته باشند که ابزارهایی وجود دارد که به‌طور عادی و کم هزینه می‌توانند شکایات خود را که ناشی از عملکرد دولت است، پیگیری نمایند و در واقع دولت و عوامل آنرا در مقابل عملکردشان پاسخگو نگه دارند.

Archive of SID



www.SID.ir

## منابع و مآخذ

## References


-افروغ، ع. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و موقعیت آن در ایران. ***فصلنامه فرهنگ عمومی وزارت ارشاد اسلامی***، شماره ۱۹-۱۸، ص ۱۹-۳۰.

- دهستانی اسفندآبادی، ح، (۱۳۸۶) همکاری دولت و سازمانهای مردم‌نهاد در توسعه. ***پایگاه روابط عمومی و مدیریت و برنامه‌ریزی کشور***، ۱۳۸۶، ص، ۴ www.mporg.ir.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). سخنرانی کارشناس بانک جهانی جان بلوم کویست در همایش «***نظام حمایت مالی اجتماعی در ایران***» تهران، ۸-۷ آذر.

- شیخ، غ، ***توسعه پایدار از طریق توانمندسازی جوامع محلی: تعمیم الگوهای موفق: مدیریت و سازماندهی طرحهای توسعه‌ای محله‌ای***، تهران، موسسه همیاران، ۱۳۸۳، صص ۱۷-۱.

- شیخ، غ، ***فقرزدایی از طریق محرومین***. گزارش میزگرد از طریق توانمندسازی اجتماعات محلی، نشر نخبگان تاریخ، ۱۳۸۵.

- قاسمی پاکرو، م. (۱۳۹۱). مشارکت مردمی در سایه سازمانهای غیردولتی. تهران: ***نشریه ملت ما***.

- کاتلر، ف. (شهریور ۱۳۹۰). راه‌حل بازاریابی اجتماعی برای خروج از تله فقر. ترجمه میثم هاشم‌خانی، ***روزنامه دنیای اقتصاد***، شماره ۲۴۵۶، صص ۱۵-۱۰.

- گرامشی، آ. ***دولت و جامعه مدنی***. ترجمه عباس میلانی، چاپ دوم، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.

- ***سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور*** (۱۳۸۵-۱۳۸۹). قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

- محمودی، و. و صمیمی فر، س، ق، (تابستان ۱۳۸۴). مفهوم و روشهای سنجش و اندازه‌گیری فقر و نابرابری/ فقر قابلیتی. ***رفاه اجتماعی***، شماره ۱۷، صص ۷-۳۲.

- کانگ شیائو گوانگ، ***مشارکت سازمانهای غیردولتی چین در امور فقرزدایی***. رادیو بین‌المللی چین (CRI) ۲۰۰۵، <http://persian. cri. cn/1/2005/12/30/1@40966. htm>.

- موسوی نژاد، س، ب، (۱۳۹۲) ***مشارکت محلی- حلقه گمشده پروژه‌های اجتماعی***- بخش اول. ۱۳۹۲. <http://partoschool. org/>




www.SID.ir

## منابع و مآخذ

## References


- عابدی، م، (۱۳۸۰). نقش زنان در فرایند فقرزدایی از جامعه ایران. ***نشریه آوا***، شماره ۱، صص ۶۰-۴۰.

- الس اوین، س. ع. ص. و میلر، اس. ام. (۱۳۸۱). ***چشم انداز جهانی فقر***، کتاب راهنمایی پژوهشهای بین‌المللی فقر. ترجمه پیروز ایزدی و محمداسماعیل نوشمند، تهران: نشر ارغنون.

- مسعودنیا، ح. (۱۳۸۴). جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در ایران. ***مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان***، سال هفدهم، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۲۰.

- Calhoun, J. , Gerteis, J. , Moody, S. P. & Virk, I. (2007). ***Contemporary sociological Theory***. Blackwell Pblishing.

- Chambers, Robert. (1983). ***Rural Development-Putting the Last First***. Essex: Longmans Scientific and Technical Publishers.

- ***Civil Society Upholds Democracies***. available at <http://iipdigital. usembassy. gov/st/english/gallery/2011/08/20110826130927enaj0. 1153027. html#axzz2oqMUhv8z>

- Edwards, Michael (2004). ***Civil Society***. Cambridge: Polity Press.

- Ferguson, C. (2011). Enhancing the role of NGOs and civil society in poverty alleviation: ***challenges and opportunities. Organized by the division for social policy and development of department of economic and social affairs (***DESA), 20-22 June 2011, Geneva, Switzerland, p. 6.

- Hanfstaengl, E. (2010). ***Survey: Impact of the Global Economic Crises on Civil Society Organizations***. New York. <http://www. un. org/esa/desa/papers/2010/wp97_2010. pdf>

- Harold, J. (1998). ***Developing Countries: Status of the Heavily Indebted Poor Countries Hipc Debt Relief Initiative***. DIANE Publishing.

- Holland, J. & Blackbum, J. (1998). Whose voice: Participatory Research and Policy Change. ***Intermediate Technology***.

- <http://web. worldbank. org/WBSITE/EXTERNAL/TOPICS/CSO/0,,contentMDK:20101499~menuPK:244752~pagePK:220503~piPK:220476~theSitePK:228717,00. html>

- Jessica Williams, (1998) ***Understanding Poverty and Development, Education and Training Unit*** (ETU). <http://www. etu. org. za/toolbox/docs/development/poverty. html>

- Larry Diamond, ***What Civil Society Can Do to Develop Democracy*** (2004). Presentation to NGO Leaders, February 10, Convention Center, Baghdad, <http://www. stanford. edu/~ldiamond/iraq/Develop_Democracy021002. html>




www.SID.ir

## References منابع و مآخذ


- ***Organization for Economic Co-operation and Development*** (OECD) (2006). Promoting Pro-Poor Growth Key Policy Messages, Paris, France. <http://www. oecd. org/dac/povertyreduction/37852580. pdf>
- ***Participatory Poverty Assessment*** (PPA), World Bank,
- UNDP (2010). What Will It Take To Achieve The Millennium Development Goals. <http://content. undp. org/go/cmsservice/stream/asset/;jsessionid=aMgXw9lbMbH4?asset_id=2620072>
- United Nations (2009). Summarized from "Rethinking poverty: Report on the World Social Situation 2010. ***Dept of Economic and Social Affairs***.
- United Nations (2010). ***Rethinking Poverty: A report on the world social situation 2010***. ST/ESA/324, United Nations publication.
- United Nations (2010). ***United Nations Millennium Declaration. Resolution adopted by the General Assembly***, A/RES/55/2.
- Vakil, A. (1997). ***Confronting the classification problem: Toward taxonomy of NGOs***. World Development, December.
- ***Why is Civil Society Important (2014)***. Available at http://www. facing. org/resources/units/why-civil-society-important.
- World Bank (2004). ***Global Learning and Conference in Shanghai***. May, 25-27.
- World Bank (2004). ***Reducing Poverty Sustaining Growth: Case Study, Summaries, Scaling up Poverty Reduction: A Global Learning Process and Conference in Shanghai***. May, 25–27.
- World Bank, Defining Civil Society, 2013.




www.SID.ir